

به جای دشنام!

تا چشمش به امام می افتاد، به او و پدرانش دشنام می داد
... اما در مقابل این بی ادبی، پاسخی جز لبخند نمی گرفت.

یک روز، مثل همیشه، شروع به بدگویی کرد.

یاران امام ناراحت شدند و گفتند:

این مرد باید سزای بی ادبی خود را ببیند؛

او باید تنبیه شود؛

آری او حق ندارد با امام ما این گونه سخن بگوید.

اما امام لبخندی زد و فرمود: «دوستان من، صبور باشید... او به اشتباهش پی خواهد

برد.»

روزها می گذشت و آن مرد، همچنان به رفتار ناپسند خود ادامه می داد. دوستان امام

نیز بیش از پیش عصبانی می شدند اما امام اجازه نمی داد او را تنبیه کنند.

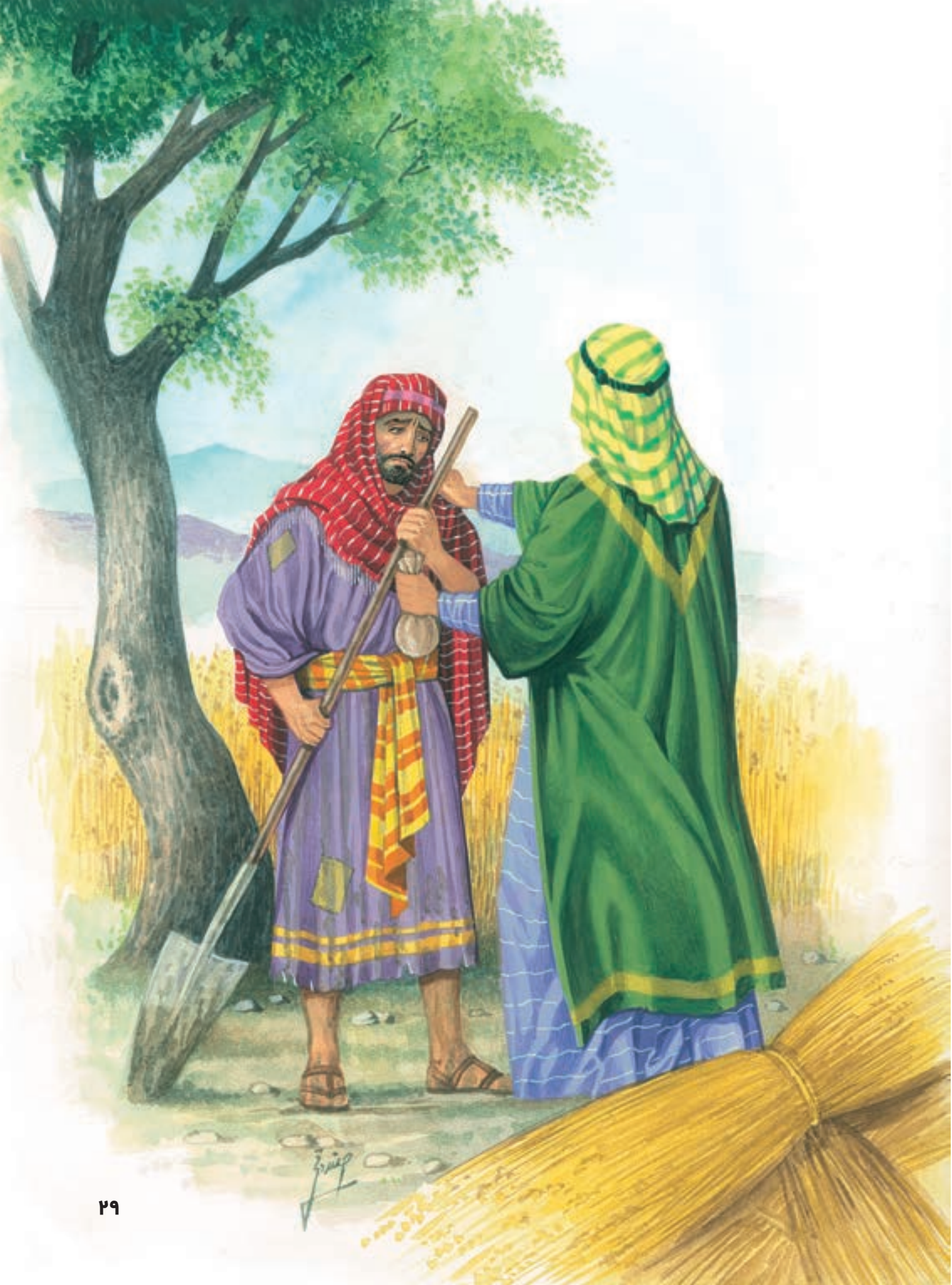
روزی امام از یاران خود پرسید: «مدّتی است آن مرد را نمی بینم. آیا می دانید در

کجا زندگی می کند؟»

گفتند: «در بیرون مدینه مزرعه ای دارد و در آن کشاورزی می کند.»

امام به سوی مزرعه ای آن مرد حرکت کرد.

یاران امام شگفت زده شدند.



تا امام را دید، بیلش را در زمین فرو برد؛ دستش را به کمر زد؛ ایستاد و اخم کرد. با فریاد از امام خواست تا از مزرعه‌اش بیرون برود اما امام لبخند زنان جلو رفت. خواست مثل همیشه دشنام بگوید اما امام با خوش‌رویی به او سلام کرد؛ سپس نزدیک‌تر رفت و احوالش را پرسید.

چون بهانه‌ی دیگری نداشت، گفت: با آمدنت به مزرعه، محصول مرا از بین بردی! امام هدیه‌ای گران‌بها به او داد و با لحنی دوستانه، به گفت‌وگو با وی ادامه داد. ... و این‌گونه بود که امام - علیه‌السلام - محبت خود را بیش از پیش به آن مرد نشان داد.

مرد که در عوض آن همه بی‌ادبی خود چنین رفتار نیکی را می‌دید، بسیار شرم‌منده شد و با صدای لرزانی گفت: «من بد بودم؛ شما را اذیت کردم ولی در عوض، شما به من مهربانی کردید. شما بزرگوارید. خواهش می‌کنم مرا ببخشید.» و از آن پس، همواره با امام و خویشان و دوستان او با احترام رفتار می‌کرد.



- ... از رفتار امام با آن مرد، چه درسی می‌توان گرفت؟
- ... اگر کسی با من بدرفتاری کند، من با او چگونه رفتار می‌کنم؟



● ... من می توانم با توجّه به معنای این آیه از قرآن، درباره ی لقب امام هفتم (کاظم)، با دوستانم گفت و گو کنم.

... وَ الْكَافِمِينَ الْغِيظُ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

... نیکوکاران کسانی هستند که خشم خود را فرو می نشانند و مردم خطاکار را می بخشند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

قرآن کریم - سوره ی آل عمران - بخشی از آیه ی ۱۳۴



حضرت امام موسی کاظم - علیه السلام - در محلی نزدیک مدینه به دنیا آمد. پدر گرامی او حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - بود و مادر بزرگوارش حمیده نام داشت. اگر کسی با او رفتار ناپسندی می کرد، خشم خود را فرو می برد و در عوض، با مهربانی او را راهنمایی می کرد. امام موسی کاظم انسانی نیکوکار و مهربان بود اما به دلیل مخالفت با ستمگران و زورگویان، سال های بسیاری را در زندان های وحشتناک حاکمان عباسی^۱ زندانی بود و سرانجام نیز در زندان به شهادت رسید. آرامگاه^۲ او در شهر کاظمین، نزدیک بغداد^۳ است. کاظمین اکنون زیارتگاه مسلمانان جهان است اما از حاکمان عباسی جز خاطره های بد، چیزی باقی نمانده است.

۱. حاکمان عباسی: حاکمان ستمگری که در زمان برخی از امامان بزرگوار ما، با نیرنگ بر مردم مسلمان حکومت می کردند.

۲. آرامگاه: جایی که انسانی در آن دفن شده است.

۳. بغداد: پایتخت فعلی کشور عراق